

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی- پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و یکم، دوره جدید، سال هفتم
شماره دوم (پیاپی ۲۶)، تابستان ۱۳۹۴، صص ۳۲- ۱۳

دلایل رویکرد اندیشه‌ورزان عصر قاجار به خوابنامه‌نویسی

زهره علیزاده بیرجندی^۱ - زهره علیزاده^۲
کلثوم قربانی جویباری^۳

چکیده

خوابنامه‌ها، یکی از انواع متون ادبی هستند که گاه در قالب تعبیر خواب و زمانی به صورت شرح یک خواب نگاشته شده‌اند. یکی از دوره‌های تاریخی درخور توجه از بعد خوابنامه‌نویسی، عصر قاجاریه است. خوابنامه‌های عصر قاجار، مضامین انتقادی، سیاسی و اجتماعی را در خود جای داده‌اند. در میان این خوابنامه‌ها می‌توان به آثاری چون *خلسه اعتماد السلطنه*، *رؤیای صادقه سید جمال الدین واعظ اصفهانی*، *رؤیای صادقه محمد حسن تاجر کاشانی* و *خواب شگفت از ملافتحعلی اصفهانی* اشاره کرد. مقاله حاضر که بر مبنای پژوهش‌های تاریخی ساماندهی شده و به شیوه توصیفی-تحلیلی به پرسش‌های پژوهش که دلایل رویکرد نویسندگان به قالب خوابنامه‌نویسی و وجوه اشتراک و تمایز خوابنامه‌هاست، پاسخ دهد. دستاوردهای این بررسی نشان می‌دهد که به رغم وجود برخی تفاوت‌ها و اختلاف‌نظرهای جزئی نویسندگان خوابنامه‌ها، صبغه انتقادی داشته و ضمن به چالش کشیدن نظم سیاسی- اجتماعی عصر خویش، مروج افکار نوگرایانه بوده‌اند. این نویسندگان برای مصونیت از فضای استبدادی، نظرهای انتقادی خویش را در قالب خواب مطرح نموده‌اند.

واژه‌های کلیدی

خوابنامه، قاجار، خلسه، رؤیای صادقه، خواب‌شگفت، نقد اجتماعی.

^۱ دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند، ایران . zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه بیرجند، ایران . alizade.at91z@yahoo.com

^۳ استادیار ادبیات دانشگاه بیرجند، ایران kolsoomghorbani@birjand.ac.ir

مقدمه

در میان منابع دوره قاجاریه، خوابنامه‌ها به دلیل شرح و توصیف مسائل سیاسی - اجتماعی، منبعی درخور توجه به شمار می‌آیند. این آثار از نظر در برداشتن مباحث تاریخی و اجتماعی یکسان نیستند؛ ولی از بعد تاریخی؛ به ویژه از جنبه طرح اندیشه‌های انتقادی و نوگرایانه دارای اهمیت‌اند.

در بررسی خوابنامه‌های دوره قاجار چهار اثر خلسه *اعتماد السلطنه، رؤیای صادقه سید جمال الدین واعظ اصفهانی، رؤیای صادقه محمد حسن تاجر کاشانی و خواب شگفت از ملافتحعلی اصفهانی* گزینش شده تا مباحث مطرح شده در این آثار، سبک بیان، دلایل رویکرد نویسندگان به قالب خوابنامه‌نویسی و نوع تحلیل این آثار با سایر منابع دوره قاجار ارزیابی شوند. هدف پژوهش، تحلیل محتوایی چهار اثر نامبرده و پاسخ به این سؤال‌هاست که دلایل رویکرد نویسندگان دوره قاجار به سبک خوابنامه نویسی چه بوده و وجوه اشتراک و تمایز خوابنامه‌ها در چیست.

مفروضات پژوهش حاضر این است که: ۱- رویکرد نویسندگان قاجار به سبک خوابنامه‌نویسی به دلیل مصون ماندن از تعقیب حاکمیت و افراد دولتی بوده است. ۲- وجوه اشتراک خوابنامه‌ها در درونمایه انتقادی آنها و تفاوت آنها مربوط به سبک روایت و طرح مباحث انتقادی است.

در این زمینه مطالعات زیادی نشده است. اگر چه در مقالات آقای کتیرایی با عنوان *رؤیای صادقه و خلسه، و اقبال یغمایی با عنوان خوابنامه‌ها*، اشاره به چند خوابنامه شده است؛ اما کار هر دو نویسنده صرفاً توصیفی و به تحلیل مطالب خوابنامه‌ها پرداخته‌اند.

خوابنامه‌نویسی در دوره قاجار

در دوره قاجار یکی از شیوه‌های نگارش خوابنامه‌نویسی بوده است. خوابنامه در لغت به معنی

کتابی است که در آن تعبیر خواب‌ها نوشته شده است (دهخدا، ذیل واژه خوابنامه) و یا به داستان‌هایی که جریان اصلی و حوادث آنها در خواب می‌گذرد، اطلاق می‌گردد (فرهنگنامه ادب فارسی ذیل واژه خوابنامه). خواب در ادوار مختلف از اهمیت ویژه‌ای نزد انسان‌ها و ادیان برخوردار بوده است؛ برای همین معبران و مفسران خواب در دربار حاکمان دارای جایگاه ویژه‌ای بوده‌اند؛ از همین رو، حاکمان و دولتمردان از خواب به عنوان دست آویزی برای مشروعیت دادن به دستورها و حاکمیت خود استفاده می‌کردند که نمونه‌های زیادی در تاریخ ایران دیده می‌شود؛ مثل رؤیاهای سبکتکین که در عالم خواب نوید به سلطنت رسیدن و قدرت یافتن، از طرف حضرت خضر و پیامبر (ص) به او داده شده است (بیهقی، ۱۳۷۰: ۲۵۵-۲۵۷) و تظاهر به خواب دیدن و رؤیا هم که به عنوان حالت برقراری ارتباط با مبدأ غیب و الهام گرفتن از عالم قدس برای مشروعیت دادن به دستورها و تصمیماتشان در تاریخ صفویه به اوج خود می‌رسد (رحیم لو، بی‌تا: ۱۲۲).

از قدیم‌ترین خوابنامه‌ها می‌توان به *ارداویراف نامه* اشاره کرد که در زمان *اردشیر اول*، پادشاه ساسانیان نوشته شده است. دلیل نگارش این کتاب احیای دین زردشتی بوده است که احکام آن در زمان اشکانیان از بین رفته است (یغمائی، ۱۳۳۰: ۳۰۶). موضوع این کتاب سیری است که یک موبد زردشتی در خواب کرد و پس از بیدار شدن مطالبی درباره پادشاه‌ها و شکنجه‌های آن جهان برای استوار کردن عقاید دینی مردم بیان کرده است (عفی، ۱۳۷۲: ۹). این اثر بیشتر جنبه مذهبی و اخلاقی دارد (یغمائی، بی‌تا: ۳۰۶).

در دوره قاجار در کنار کتاب‌های تعبیر خواب، خوابنامه‌هایی که به شرح خواب پرداخته‌اند نیز وجود دارند. خوابنامه‌هایی چون *مسالک‌المحسنین طالبوف تبریزی، سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ، اثر زین‌العابدین مراغه‌ای، یک کلمه مستشارالدوله تبریزی، رؤیای عجیبه*

علمی و فرهنگی، تلاش برای پیشرفت علم و صرف هزینه مالی در تهیه کتاب‌های مختلف بوده است (متولی حقیقی، ۱۳۸۱: ۸۰). از جمله آثار او می‌توان به *مرآت البلدان ناصری، مطلع‌الشمس خیرات‌حسان* و ... اشاره کرد (تاج‌بخش، ۱۳۸۲: ۳۷۸)؛ اما در انتساب همه این آثار به او اختلاف نظر وجود دارد (محدث، ۱۳۹۱: ۱۱).

کتاب *خلسه* از نوشته‌های بازپسین سال‌های زندگی محمدحسن خان *اعتمادالسلطنه* و دوران پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار است. *خلسه* همچون *روزنامه خاطرات*، از جمله آثاری است که در انتساب آن به *اعتمادالسلطنه* جای شک و تردیدی نیست (متولی حقیقی، ۱۳۸۱: ۱۰۶). موضوع این رساله محاکمه یازده تن از صدور قاجار است که به درخواست *آقامحمدخان قاجار*، شاهان دوره‌های پیشین به داوری این صدراعظم‌ها پرداخته‌اند. علت این محاکمه چنانکه *اعتمادالسلطنه* در خود *خلسه* اشاره کرده، کشف علت ضعف و نقص سلسله قاجار و نیز شناسایی عوامل آن است؛ نویسنده وزرا را مسؤول همه مسائلی که رخ داده، قلمداد می‌کند و شاه را سایه یزدان می‌داند و او را از خطا و اشتباه مبرا و مسؤولیت شاه را تنها انتخاب وزیر می‌داند و می‌گوید: «... حرفی که با پادشاه است، در باب انتخاب وزیر است و بس. سخن‌های دیگر را وزیر باید جواب گوید. اوست که این بار بر دوش گرفته و قبول این کار کرده و خود لغت وزیر مبین این مطلب است؛ چه وزیر آن کسی است که بار زحمات و اعناء، سلطنت و وزن دولت را حمل می‌کند؛ به عبارت اخری، کار پادشاه را او می‌کند اگر صواب کند، او کند و اگر به خطا رود، او رود...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۴۲).

این کتاب به دلیل انتقاداتی که از وزرای دوره قاجار بخصوص *امین‌السلطان* داشته، در زمان خود *اعتمادالسلطنه* چاپ نشده است. به همین دلیل، نخستین بار در سال ۱۳۲۴ هـ ش از روی دستنویس آقای محمدشهبید

و مشاهده‌غریبه *عبدالجواد نیشابوری*، *مجلس‌آسمانی عبدالرحیم الهی*، *رؤیای صادقه محمد حسن تاجر کاشانی* و *خواب شگفت از ملافتحعلی اصفهانی* که در این بخش از مقاله چهار اثر *خلسه اعتمادالسلطنه*، *رؤیای صادقه سید جمال الدین واعظ اصفهانی*، *رؤیای صادقه محمد حسن تاجر کاشانی* و *خواب شگفت از ملافتحعلی اصفهانی* را انتخاب کرده که براساس سال نگارش به معرفی هر یک پرداخته می‌شود.

خلسه

نویسنده این اثر محمدحسن خان (صنیع‌الدوله - *اعتمادالسلطنه*) پسر حاج‌علی خان مقدم مراغه‌ای در روز ۲۱ شعبان سال ۱۲۵۹ هـ ق در تهران متولد شده است (بامداد، ۱۳۵۷: ۳۳۰). او در سال ۱۲۶۸ هـ ق وارد مدرسه دارالفنون شده و به مدت ۱۲ سال در آنجا به فراگرفتن زبان فرانسه و تحصیلات پیاده‌نظام پرداخته است (تاج‌بخش، ۱۳۸۲: ۳۷۸). بعد از پایان تحصیلات در دارالفنون برای ادامه تحصیلات به اروپا رفت و در سال ۱۲۸۴ هـ ق به ایران بازگشت (کتیرائی، ۱۳۵۷: ۱۸) و به عنوان مترجم حضوری در دربار تعیین شد و به پست‌های مختلف دولتی، از قبیل: ریاست دارالترجمه، معاون وزارت عدلیه، رئیس دارالتالیف و ... منصوب شده (محدث، ۱۳۹۱: ۱۰) و در سال ۱۳۱۳ هـ ق فوت کرده است. در خصوص علت مرگ او دو نظر وجود دارد: برخی معتقدند که او سگته کرده (بامداد، ۱۳۵۷: ۳۴۷) و برخی دیگر بر این باورند که او توسط *امین‌السلطان* مسموم شده و به قتل رسیده است (خان ملک ساسانی، ۱۳۷۹: ۲۰۲).

از ویژگی‌های شخصی او می‌توان به تملق او نسبت به مناصب بالا و سخت‌گیری نسبت به زیردستان خود اشاره کرد. او فردی محافظه‌کار، تندخو و مال‌طلب و دارای ویژگی‌های مثبت چون حمایت شخصیت‌های

نورایی توسط انتشارات زوار مشهد این کتاب به چاپ رسیده است (کتیرایی، ۱۳۵۷، مقدمه: ۱۰).

نثر خلسه: نثر این کتاب ساده است و در بعضی از موارد دارای قطعات زیبا و مؤثری است و اهمیت خاص آن در این است که برخلاف سایر تألیفات اعتمادالسلطنه به صورت داستان (نه کتاب صرفاً تاریخی) نوشته شده و مؤلف این آزادی عمل را داشته است که مطالب را جامع‌تر و روشن‌تر بیان کند و خواننده ضمن مطالعه داستان با جریان‌های سیاسی دوره قاجار آشنا می‌شود (آرین‌پور، ۱۳۵۷: ۲۷۰) و برخلاف صدرالتواریخ بدور از تملق است. نویسنده این کتاب در متن نوشته خود از امثال و اصطلاحات مردم کوی و برزن استفاده کرده و بدینسان به رسایی، شیوایی و شیرینی سخنش افزوده است (کتیرایی، ۱۳۵۷، مقدمه: ۱۴). او همچنین، از اشعار شاعرانی چون شیخ نجم الدین محمودبن عبدالکریم شبستری، فردوسی و ... استفاده کرده است.

محتوای کتاب از سال ۱۳۱۰ هـ ق آغاز می‌شود. در این سال نویسنده همراه ناصرالدین‌شاه به عراق عجم سفر می‌کند. در بازگشت در نزدیکی شهر ساوه به دلیل مشاهده آثار و ابنیه قدیمی ساوه تصمیم می‌گیرد از اردوی شاهی به مدت یک روز جدا شود و از این شهر دیدن کند. در بازدید از مسجد شاه‌طهماسب صفوی که واقع در اراضی بایر بوده، از گرمی هوا به آب‌انبار نزدیک مسجد پناه برده و بعد از برطرف شدن تشنگی،

از ویرانی آثار دوره صفوی سخت متأثر می‌شود و افسوس می‌خورد که چرا در حفظ این آثار کوشا نبوده‌ایم؛ با وجودی که می‌دانیم حتی اعراب هم از این که آثار ساسانی را نابود کردند، پشیمان شدند. وی از شدت تأثر تصمیم می‌گیرد برای رهایی از این غم بخوابد. در حالت بین خواب و بیداری ناگهان سقف مسجد باز می‌شود و فرشتگانی برای غبارروبی وارد می‌شوند و هشت کرسی از طلا و یازده کرسی آهنی گذاشته می‌شود که نویسنده این فضا را مشابه با دادگاه‌های اروپایی می‌داند و بعد فراهم شدن شرایط، هشت تن از پادشاهان بزرگ ایرانی که شامل: کوروش کبیر، داریوش کبیر، آرشاک، اردشیر بابکان، خسرو انوشیروان، شاه‌اسماعیل صفوی، نادرشاه/افشار و آقا محمدخان قاجار بر تخت‌های زرین و بعد از آن یازده تن از وزرای قاجار بر تخت‌های آهنی نشستند و آقا محمدخان قاجار تلاش‌های خود برای استقرار حکومت قاجار را بیان می‌کند؛ اما متذکر می‌شود حکومت که او با زحمت بنا کرده، به خاطر سوءتدبیر وزراء؛ بخصوص از سال ۱۳۰۵ هـ ق دچار ضعف شده است و از پادشاهان بزرگ می‌خواهد که علت این ضعف را کشف کنند. به همین دلیل، وزاری قاجار به ترتیب زمانی توسط شاهان بزرگ محاکمه می‌شوند. فهرست این وزرا و اعترافات آنها در جدول ذیل آمده است:

جدول ۱: خلاصه از محاکمه صدراعظم‌های دوره قاجار در کتاب خلسه

نام وزیر	دوران صدارت بر اساس هق	دوران پادشاهی	استنطاق‌گر	اعترافات صدراعظم‌ها
حاج‌ابراهیم خان شیرازی	(۱۳۰۹-۱۲۱۵)	آقامحمدخان- فتحعلی‌شاه	کیخسرو کیانی	۱- خویشاوندگرایی؛ ۲- خیانت به خاندان زند
میرزا شفیع مازندرانی	(۱۲۳۴-۱۲۱۵)	فتحعلی‌شاه	کیخسرو کیانی	۱- علت انتخاب خود را رای فتحعلی‌شاه برای نشان‌دادن قدرت خود می‌داند؛ ۲- بی‌سوادی و بی‌اطلاعی از سیاست
محمدحسین خان صدراعصفهانی	(۱۲۳۹-۱۲۳۴)	فتحعلی‌شاه	دارای کبیر (داریوش بزرگ)	۱- بی‌سوادی و عدم آگاهی از علم سیاست؛ ۲- ثروت زیاد؛ ۳- بخشش و سخاوت‌مندی
میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فرهانی	(۱۲۵۱-۱۲۵۰)	محمدشاه	دارای کبیر (داریوش بزرگ)	۱- برقراری نظم و امنیت که در زمان خود و پدرش ۲- تشکیل ارتش- آذربایجان ۳- سرکوب شورش‌های مدعی سلطنت مثل شورش فرمانفرما، ظل‌السلطان و... ۴- شیوایی و نفوذ سخن ۵- آگاهی از علم سیاست ۶- تیرنه کردن خود از خیانت به پادشاه ۷- تلاش برای نگه داشتن پادشاهی در خاندان عباس میرزا
حاجی میرزا آقاسی	(۱۲۶۴-۱۲۵۱)	محمدشاه	شاه اسماعیل صفوی	۱- پیشگویی در مورد به پادشاهی رسیدن محمدمیرزا؛ ۲- علت صدراعظم شدنش را رای محمدشاه برای اثبات قدرت می‌داند؛ ۳- مرشد شاه بودن؛ ۴- اشاره به ایلخانی و تأثیر او در شورش خراسان و فتنه باب؛ ۵- عدم کارایی و کردانی در مقام صدارت؛ ۶- تاسیس توپخانه
میرزاتقی خان امیرکبیر	(۱۲۶۸-۱۲۶۴)	ناصرالدین شاه	نادرشاه	۱- برشمردن خدمات خود قبل از به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه؛ ۲- الگو قراردادن قائم‌مقام در صدارت و محمدخان امیرنظام در نظامی- گری؛ ۳- دفع شورش سالار و باب؛ ۴- تنظیم امور داخلی؛ ۵- شورش افواج داخلی؛ ۶- قصد خیانت به ناصرالدین شاه و به تخت نشاندن عباس میرزا
میرزا آقاخان نوری	(۱۲۷۵-۱۲۶۸)	ناصرالدین شاه	اردشیر بابکان	۱- نقش داشتن در قتل امیرکبیر ۲- خویشاوندگرایی ۳- راه‌انداختن جنگ انگلیس بر اساس غرایز شخصی
میرزا محمدخان- سپهسالار	(۱۲۸۳-۱۲۸۱)	ناصرالدین شاه	اردشیر بابکان	۱- بی‌قابلیتی خود در جنگ ایران و انگلیس ۲- سرکوب شورش ترکمانان ۳- کم سوادی ۴- نقش دوست‌علی‌خان معیرالممالک در برکناری او
میرزا حسین خان سپهسالار	۱۲۸۸	ناصرالدین شاه	انوشیروان	۱- نحوه کسب درآمد ۲- فراهم کردن سفر عتبات شاه ۳- تقلید از وزرای عثمانی ۴- ایجاد اصلاحات به سبک غربی، اما به دلیل سطحی بودن اطلاعات موجب ویرانی کشور شد ۵- آوردن ملکم به ایران ۶- بستن قرارداد رویتز ۶- فراهم آوردن سفر به فرنگ ۷- دادن امتیازات به روس و انگلیس ۸- طرفداری و حمایت از وجیه‌الله میرزا سیف-الدوله
میرزا یوسف آشتیانی	۱۲۹۸-۱۳۰۳	ناصرالدین شاه	اشک اول	۱- رد پیشنهاد صدارت بعد از قتل امیر کبیر ۲- اشاره به دشمنی آقاخان نوری و پسر او ۳- خدمات خود به شاه ۴- علاقه به کیمیاگری و احسان به فقرا و علما
میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان	۱۳۰۵-۱۳۲۵	ناصرالدین شاه	آقامحمدخان قاجار	۱- واگذاری امتیازات مختلف به روس و انگلیس ۲- فراهم کردن سفر فرنگ و شرح هرزگی‌ها خود در این سفر ۳- اعتراف به خیانت‌های پدرش ۴- خیانت به ناصرالدین‌شاه و تصمیم به قتل او بعد از سفر ۵- اشاره به تحریک مردم در ماجرای تنباکو توسط تجار شیرازی، علما و خوانین به دلیل به خطر افتادن منافعشان ۶- اشاره به دشمن‌های خود نسبت به سیدجمال‌الدین و معین‌الممالک ۷- شرح سفر عراق عجم ^۱ شاه.

- استنطاق صدراعظم آخر ناتمام به پایان می‌رسد.

محتوای خلسه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- شرح صدر اعظم‌ها و شیوه صدارت آن‌ها: در این مورد، اگرچه در برخی موارد *اعتماد السلطنه* به دلیل اختلافات و دشمنی‌هایی که با برخی از افراد داشته، جانب انصاف را رعایت نکرده؛ مخصوصاً در محاکمه امیرکبیر به دلیل طرفداری از مهدعلیا و پدرش که از عاملان قتل امیر بوده‌اند و خیانت امیر به پادشاه ایران از نظر *اعتماد السلطنه* شاید عاملی بوده باشد در حین تحسین کارهای امیرکبیر او را از تاج محروم می‌کند. در مورد سپهسالار نیز جانب انصاف را رعایت نمی‌کند و در خلسه او را به اسفل سافلین هدایت می‌کند. در روزنامه *خاطراتش* نیز سپهسالار را «علیه ما علیه» خطاب می‌کند (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۰: ۷۸). یکی از دلایل اختلاف این دو نفر، غضب زمین *اعتماد السلطنه* توسط سپهسالار است که در آن زمین مسجد و مدرسه سپهسالار ساخته شده است (ساسانی، ۱۳۸۲: ۹۴-۹۲). اعتماد السلطنه در مورد مسجد سپهسالار می‌نویسد: «این مسجد سراپا غلط است. زمینش غضب و آبش غضب و پیش نمازش بی‌سواد و واعظش بی‌علم و بی‌صدا. پولی که به مصارف این مسجد رسیده، همه از رشوه و تعارف است» (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۰: ۱۹۹) و شاید انتقادات زیاد از *امین السلطان*، کینه اعتماد السلطنه نسبت به *امین السلطان* باشد. او در روزنامه *خاطرات بارها* به دشمنی *امین السلطان* اشاره می‌کند که چطور مانع پیشرفت او می‌شده: «وزیر اعظم مثل گرگ تیرخورده به من نگاه می‌کرد. خدا از شر او مرا حفظ کند» (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۰: ۷۰۰)؛ اما این موارد دلیل بر نادیده گرفتن سایر مطالب کتاب نمی‌شود.

اعتماد السلطنه در جریان محاکمه وزرا در داوری خود بر چند اصل تاکید دارد:

الف- خویشاوندگرایی؛ ب- خیانت؛ ج- دادن امتیاز به بیگانگان.

نویسنده شاه را سایه یزدان می‌داند، *ملکم و سیدجمال* - *الدین* را احمق خطاب می‌کند و حکومت جمهوری را سراسر ضرر می‌داند و خیانت به مقام سلطنت را جزو گناهان نابخشودنی می‌داند و در قضاوت او نقش مؤثری ایفا می‌کند. او *ملکم* را عالم بی‌عمل می‌داند که دارای صفات بد و بسیار منفعت طلب است. البته، تنها دشمنی او با *ملکم و سیدجمال الدین* به این دلیل نبوده است. *امین الدوله* به ترس *اعتماد السلطنه* از این که روزی *سیدجمال الدین* جای او را بگیرد، اشاره می‌کند (امین الدوله، ۱۳۵۵: ۱۲). *اعتماد السلطنه* در *روزنامه خاطراتش* حضور *سیدجمال الدین* را در ایران فتنه‌انگیز و بی‌حاصل می‌داند (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۰: ۶۵۹).

بی‌اعتمادی *اعتماد السلطنه* به تاریخ و اقوال مورخان سبب شده که بیشتر به انتقاد از صدراعظم‌های معاصر خود بپردازد.

۲- سیاست خارجه: سیاست انگلیس در ایران را منفعت‌طلبانه و سیاست روس را سیاستی بی‌اعتماد می‌داند و به امتیازات متعدد که به این دو کشور داده شده، اشاره می‌کند، که چطور اقتصاد ایران را نیز با این امتیازات در تملک خود درآورده‌اند.

۳- شرح افراد معاصر نویسنده: او در برخی از مطالب؛ به‌ویژه استنطاق *امین السلطان* به شرح ویژگی‌های ظاهری و اخلاقی همعصرانش اشاره می‌کند که آگاهی بیشتری را برای خواننده فراهم می‌کند؛ مثلاً علی امین حضور را بی‌حیا و بی‌تعصب، فتحعلی صاحب‌دیوان را ظالم، میرزا علی‌نقی حکیم‌الممالک را مردی عالم، طیب و مهربان و خوش زبان می‌داند.

اعتماد السلطنه در خلسه نسبت به سایر آثارش؛ به‌خصوص *صدرالتواریخ و المآثر و الآثار* انتقادات خود را صریح‌تر بیان می‌کند و لحن انتقادات تندتر می‌شود.

اعتماد السلطنه با اینکه یکی از دولتمردان و از نزدیکان شاه بوده؛ اما به علت ترس از عواقب انتشار کتاب

منابع دیده می‌شود. برخی نویسندگان اعتقاد دارند که سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی زمانی که در اصفهان اقامت داشته، این کتاب را در سال ۱۳۱۸ هـ ق با همفکری حاج فاتح‌الملک- میرزا نصرالله‌خان بهشتی که بعدها به ملک‌التکلمین شهرت یافت- و شیخ احمدکرمانی نوشته است (یغمائی، ۱۲۹۱: ۱۴)؛ اما ملک‌زاده، کتاب را به پدرش، ملک‌التکلمین نسبت می‌دهد و نخستین چاپ کتاب را در ایران می‌داند و معتقد است نسخه‌های بعدی در خارج کشور چاپ شده است (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۵۸) و برخی از دیگر نویسندگان معتقدند که نویسنده اصلی کتاب، مجدالاسلام کرمانی است و نوشتن این رساله را به سید جمال‌الدین واعظ نسبت داده‌اند (صفایی، ۱۳۸۰: ۶۶۴). کتیرایی در مقاله خود به نقل از جمال‌زاده می‌آورد که این اثر را جمال‌الدین واعظ نوشته و دو سه نفر در نوشتن به او کمک کرده‌اند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۵۳). اعتقاد منطقی در این است که این اثر توسط چند نفر نوشته شده؛ اما نقش سید جمال‌الدین واعظ را در آن نباید نادیده گرفت. این رساله در سال ۱۳۱۲ هـ ش به تدریج در شماره‌های اول تا هفتم دوره چهاردهم مجله *ارمغان* نیز به چاپ رسیده است (یغمائی، ۱۲۹۱: ۳۰۴). جمال‌زاده در مورد علت نگارش کتاب می‌نویسد: زمانی که میرزا سیدعلینقی‌خان مدرسه جدیدی افتتاح می‌کند که علوم جدید و زبان انگلیسی در آن تدریس می‌شد، به علت مخالفت آقا نجفی این مدرسه بسته شد. پدرم با دوستانش رساله بدون امضایی به نام «رؤیای صادق» می‌نویسند و به دستگیری میرزا حسن‌خان که در آن تاریخ در عضو سفارت روسیه بوده، در همان‌جا در شصت یا هفتاد نسخه مخفیانه به چاپ رسیده و بعد از آن در ایران منتشر شده است (جمال‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۲). به این مورد در خود کتاب *رؤیای صادق* در محاکمه محمدتقی زمانی اشاره شده که از او پرسیده می‌شود که

خود، آن را در قالب خوابنامه و آن هم بدون نام بردن از نویسنده در سراسر کتاب، نوشته است و برای اینکه شناخته نشود، در متن به سفر چین و ژاپن اشاره می‌کند که نقل‌کننده خواب به آنجا سفر کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۶)؛ در صورتی که اعتمادالسلطنه به این دو کشور مسافرتی نداشته است. از طرف دیگر انتقادات تند خود را از زبان بنیانگذار سلسله قاجار بیان می‌کند که دریچه اطمینانی برای خود ایجاد کند (متولی حقیقی، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

خلسه با *صدرالتواریخ*، دیگر اثر *اعتمادالسلطنه* که برخی در انتساب این کتاب به او تردید دارند، شباهت‌های زیادی دارد. موضوع این کتاب نیز توصیف یازده‌تن از صدور قاجار و عملکرد آنان است. او انگیزه خود را از نوشتن کتاب *صدرالتواریخ*، ابراز ارادت به *امین‌السلطان* بیان می‌کند و کتاب خود را به او تقدیم می‌کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۹). از جمله شباهت‌های این دو کتاب می‌توان به قضاوت او در مورد *میرزا آقاسی*، *امیرکبیر*، *میرزا محمدخان سپهسالار* و *مستوفی‌الممالک* اشاره کرد. برای نمونه، *امیرکبیر* در هر دو کتاب نسبت به اصلاحات انجام داده، ستوده و به داشتن روابط با روسیه محکوم شده و در هر دو اثر به مقایسه او با *نادرشاه* پرداخته‌اند و به قصد خیانت او برای تغییر سلطنت اشاره کرده‌اند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۱۸-۲۰۹)؛ اما تفاوت‌های نیز در این دو اثر وجود دارد؛ مثلاً در مورد *امین‌السلطان* که در *صدرالتواریخ* فقط به مدح او پرداخته شده؛ در کتاب *خلسه* بیشتر از سایرین مورد نقد قرار گرفته است. در *صدرالتواریخ* حکمی در مورد وزرا داده نشده است؛ فقط به توصیف اعمال آنها پرداخته شده است.

رؤیای صادق

در مورد نویسنده *رؤیای صادق* اختلاف نظرهایی در

چه همتی در ترقی عموم ملت اسلام نمودی؟ او در پاسخ به این موضوع اشاره می‌کند که مدرسه جدیدی که در آن علوم جدید و زبان نصارا یاد می‌دادند، به دستور من بسته شده است (واعظ اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲۸).

سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، پسر سیدحسین، پسر سید محمد علی عاملی لبنانی و برادرزاده سید صدراصفهانی، مجتهد معروف است. او در سال ۱۲۷۹ هـ.ق در همدان (بامداد، ۱۳۵۷: ۲۵۵؛ صفائی، ۱۳۸۰: ۶۶۱ و یغمائی، ۱۲۹۱: ۱) و به روایتی در سال ۱۲۸۹ هـ.ق در اصفهان متولد شده است (ملک زاده، ۱۳۵۸: ۱۶۵). او به خاطر هوش سرشار و استعداد فراوانی که داشت، بسیاری از علوم زمان خود را فراگرفت. سید در دهه آخر پادشاهی ناصرالدین شاه با اینکه دوران جوانی را سپری می‌کرد؛ اما در خطابت، موعظه و زبان‌آوری شهرت بسیار داشت (یغمائی، ۱۲۹۱: ۱-۴). ظل‌السلطان، حاکم اصفهان تا مدتی رابطه خوبی با سید جمال‌الدین داشت و لقب صدرالواعظین را به او داده بود؛ اما پس از انتشار کتاب رؤیای صادقه که به همکاری این سه شخص شیخ احمد مجدالاسلام، میرزا نصرالله المتکلمین و سیدجمال‌الدین نوشته شده بود، رابطه ظل‌السلطان و سیدجمال‌الدین تغییر کرد و سیدجمال‌الدین اصفهان را ترک کرد (جمالزاده، ۱۳۸۰: ۱۰۱) و در تهران اقامت کرد و در مسجدشاه وعظ می‌نمود و یکی از واعظان نهضت مشروطیت بود. او در تاریخ ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ هـ.ق که شورای ملی به توپ بسته شد، مخفیانه به حرم حضرت عبدالعظیم پناهنده شد و بعد از آن به همدان رفت و در آنجا توسط حاکم بروجرد به قتل رسید (بامداد، ۱۳۵۷: ۲۵۷؛ عربخانی، ۱۳۹۰: ۱۸۸). آثار او عبارتند از روزنامه الجمال، رساله لباس تقوا و رساله رؤیای صادقه.

رؤیای صادقه، شرح حالات زورگویان و امرا و

بزرگان معاصر سیدجمال‌الدین در روز رستاخیز و در پیشگاه داور حقیقی است. اشخاصی از قبیل آقا نجفی و ظل‌السلطان در اینجا به پای میز عدل پروردگار حاضر می‌شوند تا جواب اعمال خود را بدهند. سید-جمال‌الدین در این رساله با بیانی نیکو و تصویری زیبا، سردمداران زورگویی وقت را که در لباس روحانی، حاکم، قاضی و ... به چپاول ملت مشغول بودند، رسوا می‌کند (سجادی و رضوانی، ۱۳۶۳: ۸) نثر کتاب ساده و به زبان عامه است و از هر گونه تملق‌گویی به دور است. نویسنده از اشعار شاعران چون سعدی، هاتف اصفهانی و ... در اثر خود استفاده کرده است.

محتوای اصلی کتاب از زمانی شروع می‌شود که نویسنده در یکی از شب‌ها به علت خستگی زیاد به خواب عمیقی می‌رود و در عالم خواب خود را در صحرای بیکران قیامت می‌بیند و به توصیه دوستش در گوشه‌ای ایستاده و به تماشای این صحنه می‌پردازد تا نوبت محاکمه‌اش فرا رسد. پس از مدتی منادی اصفهانیان را برای محاکمه فرامی‌خواند که نخست روحانیون اصفهان و بعد کارگزاران دولتی محاکمه می‌شوند. علت انتخاب این دو طبقه به خاطر این است که قدرت اصفهان در دست این دو طبقه قرار داشته. براون در سفر خود به اصفهان قشون و سربازان ظل‌السلطان را به حدی قوی می‌داند که احتمال به تخت نشستن او را بعد از فوت ناصرالدین شاه پیش‌بینی می‌کند و معتقد است که اگر این امر را به دست نیاورد، به صورت مستقل جنوب ایران را اداره خواهد کرد (براون، ۱۳۵۶: ۱۱۱). در دوره قاجار، اصفهان پایتخت مذهبی کشور به‌شمار می‌رفته و مهم‌ترین روحانیون ایران در اصفهان اقامت داشته‌اند (الگار، ۱۳۵۶: ۸۱) و از لحاظ ثروت میزان درآمد آنان حتی از مالیات دولت نیز فراتر بوده‌است (حاج‌سیاح، ۱۳۵۹: ۴۵).

جدول ۲: محاکمه علمای اصفهان در کتاب رؤیای

صادقه

نام روحانی	موارد مورد محاکمه	دفاعیات شخص
شیخ محمدباقر مجتهد اصفهانی	۱- مسؤل شورش بزرگ ۱۲۹۶ اصفهان ۲- پیمان شکنی با محمدحسین امام جمعه اصفهان به دلیل اختلافات شخصی و پیوستن به ظل السلطان ۳- گران کردن و احتکار گندم	شرایط حاکم بر جامعه اصفهان را عامل گناهان خود می داند
میرزا محمد هاشم چهارسوقی	۱- تصرف اموال مردم اصفهان ۲- عدم مجازات افرادی که با جعل مهر او اموال مردم را متصرف می شدند	تجاهل
شیخ محمدتقی پسر شیخ محمدباقر	۱- محروم کردن مردم از علوم جدید ۲- بدون اجازه وارد منزل مسلمانی شدن و مراسم آنان را به هم ریختن ۳- احتکار گندم ۴- تصرف اموال مردم ۵- مخالفت با قانون مدنی و حکم های متفاوت دادن به اسم شریعت ۶- ترویج خرافت و حمایت از افراد ظاهرگرا	۱- ترویج شریعت ۲- بسته کردن مدارس که علوم جدید تدریس می شد و به هم زدن عروسی ۳- تجاهل و تغافل زدن
شیخ مرتضی ریزی	حرام کردن گوشت در رمضان سال ۱۳۱۶	
سید جعفر بیدآبادی ۴	۱- سردسته اشرا بیدآباد ۲- متهم به همان عیوبی می شود که دیگران شدند	انکار اتهامات وارده و تحریک اشرا بیدآباد به شورش

جدول ۳: محاکمه کارگزاران دولتی اصفهان در کتاب رؤیای صادق

نام کارگزار	منصب کارگزار	شرح موارد محاکمه	دفاعیات
ظل السلطان	حاکم اصفهان	۱- ازدیاد فقر ۲- عدم احقاق حق مظلومین ۳- گرانی ۴- ظلم	۱- مقصر واقعی را روحانیون می داند ۲- نظم و امنیت
میرزا سلیمان- خان رکن الملک	نایب الحکومه	۱- همکاری با ظل السلطان و روحانیون در تصرف اموال مردم ۲- عدم مجازات مجرمان به دلیل شفاعت آنان توسط روحانیون ۳- سوء استفاده از سود شرکت اسلامی	
میرزا احمد	منجم باشی	۱- تصرف اموال ۲- احتکار گندم در زمان خشکسالی	
میرزا باقر	منشی	۱- همکاری با ظل السلطان ۲- اهمال در اجرای حق ۳- اغماض در حق مظلوم	۱- جوانی ۲- کمی اعتقاداتش
میرزا اسدالله خان	وزیر	۱- سوء رفتار ۲- بدی اخلاق	کمک به فقرا

بعد از شرح اخلاق نیکوی شیخ همچون اخلاق پسندیده و کمک به فقرا و... دو نقطه سیاه و شایان تأسف در زندگی شیخ را متذکر می شود:

اول مبالغه او در مجازات افرادی که ظاهر دین را نگه نمی داشتند؛ دوم: ترویج و تشویق های بی حد و حسابش از انواع خرافات عامیانه مذهبی و حمایت های زیاد او از هر کسی که ترویج ظاهری دین را انجام

آقا نجفی یکی از مهم ترین افرادی است که مورد انتقاد قرار گرفته است و شاید برخوردهای این عالم با نویسندگان رؤیای صادق، باعث شده که در برخی موارد جانب انصاف را رعایت نکنند و به صفات پسندیده او اشاره نکنند. برخی از اتهاماتی که در محاکمه به شیخ نسبت داده شده، در سایر منابع آن دوره نیز ذکر شده است؛ مثلاً در کتاب رجال اصفهان

می‌داده است (کتابی، ۱۳۷۵: ۱۷۵-۱۷۶).

در مورد تصرف اموال مردم، برخی نویسندگان، *آقاجفی* را سدّ سدید در مقابل قدرت *ظل‌السلطان* و رقیبی برای او در جمع‌آوری مال و ملک دانسته‌اند (رجائی، ۱۳۸۳: ۵۴). *ظل‌السلطان* نیز در گفت‌وگوی خود با حاج سیاح نیز به این نکته اشاره می‌کند که دولت با استفاده از تهمت بایگیری اموال مردم را ضبط می‌کند (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۴۴).

در مورد بسته شدن مدارس توسط *آقاجفی*، *جمالزاده* در کتاب خود آن را دلیل نوشتن کتاب *رؤیای صادقه* می‌داند (جمالزاده، ۱۳۸۰: ۱۰۲) و دیگر نویسندگان نیز برخی از روحانیون دوره قاجار را مخالف علم و پیشرفت و گسترش خرافات می‌دانند (ملکزاده، ۱۳۶۳: ۴۸-۴۷). البته، علما نیز برای مخالفت‌های خود دلایلی چون رواج کفر و بی‌دینی در مدارس اقامه می‌کردند.

در روزنامه *الجمال* بارها بر علم و فضیلت آن تاکید شده است؛ برای نمونه شماره ۱۲/ *الجمال* مورخ پنجشنبه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۵۲ هـ ق *جمال‌الدین واعظ* علم را بر دو قسم می‌داند: علم دنیا و علم آخرت. او علم آخرت را اشرف علوم و علم دنیا را از ضروریات می‌داند.

نویسندگانی دیگر از جمله حاج سیاح نیز انتقاداتی نظیر انتقادات *جمال‌الدین واعظ* را در آثار خود آورده‌اند (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۴۶)؛ از جمله مباحث دیگری که اشاره دارد قانون را لازمه دولت می‌داند و روحانیونی که قانون را مخالف اسلام می‌دانند، بازخواست می‌کند که این تفکر در شماره ۱۲/ *الجمال* مورخ پنجشنبه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۵۲ هـ ق منعکس شده و ریشه قانون اروپاییان را در اسلام می‌داند.

از مهم‌ترین کارگزارانی نیز که محاکمه شده، *ظل‌السلطان* است، که از مهم‌ترین موارد اتهام، رشد فقر و گرانی در زمان حاکمیت او بوده است. حاج سیاح نیز به این نکته اشاره می‌کند که *ظل‌السلطان* و شاهزادگان و روحانیون بزرگ ثروت زیادی دارند و غرق در

تجملات هستند که این ثروت را از راه ظلم به مردم به‌دست آورده‌اند و این در صورتی است که بیشتر مردم اصفهان برای به‌دست آوردن یک وعده غذایی خود دچار مشکل هستند (سیاح، ۱۳۵۹: ۳۹-۴۰).

رؤیای صادقه

محمدحسن تاجرکاشانی، فرزند محمدعلی تاجرکاشانی، یکی از فعالان نهضت مشروطه بوده است. او اثر خود *رؤیای صادقه* را در ذی‌الحجه سال ۱۳۰۱ هـ ق نوشته است و اولین چاپ آن باید مطابق آنچه *صداقت‌نژاد* در مقدمه کتاب آورده‌اند، باشد: «چندی قبل در محفلی صحبت از کتابی نایاب و دور از دسترس مشروطیت ایران بود. یکی از دوستان، به دلیل شیفتگی من، کتابی در اختیارم گذاشت که حدود هشتاد سال قبل، یکی از علماء به نام حاجی محمدحسن، فرزند حاج محمدعلی تاجرکاشانی نوشته و در یک صد نسخه به چاپ رسیده است» (صداقت‌نژاد، ۱۳۶۳: مقدمه: ۵) چاپ این رساله در سال ۱۳۳۱ هـ ق توسط چاپخانه-برادران باقرزاده است (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۶۸۹).

در یکی از شب‌ها او سخت افسوس زحماتی را می‌خورد که ایرانیان در راه جنبش مشروطه متحمل شده‌اند و متعجب است که چرا نظام مشروطه در سایر کشورها موجب ترقی ملت‌ها شد؛ اما در ایران نتیجه عکس داده و بعد از آن به خواب می‌رود و در عالم خواب به باغ بسیار بزرگی وارد می‌شود که در جلوی عمارت این باغ تخت‌هایی وجود دارد که مشروطه طلبان بر آن‌ها نشسته‌اند و بین او و یکی از بزرگان مشروطیت پرسش و پاسخ‌هایی به وجود می‌آید که او پس از بیداری آن‌ها را بازگو می‌کند. او در جریان گفت‌وگوی خود به دفاع از مشروطیت می‌پردازد.

محمدحسن تاجرکاشانی پس از اینکه چگونگی به خواب رفتن خود و آشنا شدن با یکی از مشروطه‌طلبان و پرسش‌ها و پاسخ‌ها که پیرامون مشروطیت بین دو

آنان، از تحصیل جز اطلاع از احکام الهی و راهنمایی مردم نیست که از طرفداران واقعی مشروطه بودند و گروه دیگر قصدشان از تحصیل منافع شخصی بوده؛ به همین دلیل، مخالف مشروطه و اجرای قوانین هستند؛ زیرا با اجرای قانون منافع آن‌ها به خطر می‌افتد؛ البته، در مورد برخی علما صرفاً منافع نبوده؛ بلکه اختلاف نظر در برخی اصول مشروطیت و نحوه تحقق آن در جامعه اسلامی مدّ نظر بود. در این زمینه می‌توان به اصل آزادی و مساوات و اختلاف نظرهای نوری با علمای مشروطه‌خواه اشاره نمود (حائری، تشیع و مشروطیت) و بعد از فواید قانون می‌گوید و احزاب به دلیل اینکه به دنبال منافع شخصی خود هستند، کارایی چندانی ندارند. او برای تعالی کشور؛ قانون، علم، امنیت و نظم را ضروری می‌داند و در ادامه به چند شایعه از این قبیل که مشروطه باعث افزایش فحشا، گسترش حمام‌های خزینه‌دار و ... پاسخ می‌دهد که افزایش فحشا به دو دلیل است: ۱- خیانت مردان به زنان؛ ۲- فقر؛ و در مورد حمام‌های خزینه‌دار به تشریح مضرات آن می‌پردازد و گسترش آن را به علمای منفعت‌طلب نسبت می‌دهد و یکی از اساسی‌ترین دلایل عقب‌ماندگی ایران را وعظی می‌داند که خرافات را ترویج می‌دهند و به مسائل اساسی کشور توجه نمی‌کنند و دولت نیز نظارتی بر مواعظ آن‌ها ندارد؛ و در پایان عدم سرکوب شورش نایب حسین کاشانی را در بی‌مسئولیتی دولتمردان و بی‌غیرتی آنان می‌داند و عامل نجات کشور را تشکیل کابینه دولت از افراد وطن‌پرست و متفق‌القول می‌داند. بعد از آن محمدحسین تاجرکاشانی از خواب بیدار می‌شود.

از ویژگی‌های این رساله نسبت به برخی دیگر رسائل مشروطیت مثل تنبیه‌لامه، زبان ساده و شیوایی سخن نویسنده است که برای عوام قابل فهم بوده است. بیشتر دفاعیات این رساله، در دیگر رساله‌ها مشروطه نیز

شخص را در عالم خواب شرح می‌دهد، عنوان می‌دارد که «... سؤالاتی چند نمود جواب گرفت که به عقیده من خوب است عموم برادران دینی و وطنی آن را بشنوند؛ ولی مشروط بر اینکه هرگاه مطابق میل و سلیقه و مسلک بعضی نباشد، بر من خرده نگیرند؛ زیرا من خوابی دیده و نقل می‌کنم. خوب و بد آن ربطی به عالم من ندارد» (تاجرکاشانی، ۱۳۶۳: ۳-۹۲).

او در آغاز شکایت می‌کند که بعد جنبش مشروطه، اوضاع ایران بدتر از قبل شده است. فرد مشروطه طلب نیز اشاره می‌کند که هنوز دولت ایران مشروطه نشده؛ فقط نام او عوض شده و نظام مشروطه را زمانی حاکم می‌داند که حداقل یک ثلث از مردم نسبت به مضرات حاکمیت استبداد و ثمرات مشروطه آگاه باشند و نمایندگان خود را به مجلس بفرستند و مجالس نیز بر حاکمیت نظرات کامل داشته باشد. وی مشروطه‌خواهان را به چهار دسته تقسیم می‌کند: دسته اول که کمترین تعداد را به خود اختصاص داده، کسانی بودند که نسبت به مضرات حاکمیت استبداد و ثمرات مشروطه آگاهی داشتند؛ مثل: مرحوم آخوند ملاکاظم خراسانی، حاجی میرزا حسین تهرانی و ملا عبدالله مازندرانی. گروه دوم شامل کسانی می‌شود که نتوانسته بودند در حاکمیت نفوذ کنند و پست و مقامی به دست آورند. برای همین، هدف آنان از شرکت در نهضت به دست آوردن پست و مقام بود. گروه سوم الواط و اشرار بودند که می‌خواستند از آب گل آلود ماهی بگیرند که موفق نیز شدند. دسته چهارم که بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده بودند، کسانی بودند که فکر می‌کردند مشروطه و آزادی به معنی خودسرانه حرکت کردن است و چون هدف گروه اول ترقی ملت و حاکمیت بود که با مقاصد سایر گروه‌ها مخالف بود، توسط گروه‌های دیگر تبعید، زندانی و یا کشته شدند و علما را نیز به دو دسته تقسیم می‌کند: کسانی که تنها هدف

موجود است؛ برای نمونه، در رساله اللثالی المربوطه فی وجوب المشروطه محلاتی هروی، همچون محمد حسن تاجرکاشانی، آزادی را یکی از لوازم مشروطیت می‌داند؛ اما آن را از خودسری جدا دانسته و بر مساوات، جمع‌آوری مالیات و قانون تاکید کرده است (زرگری نژاد، ۱۳۸۷: ۲۰۶) و کاظم زاده در رساله تازیانه قدرت، اتحاد را دوی درمان وطن می‌داند (زرگری، ۱۳۸۷: ۱۵۰). آخوند خراسانی نیز به مسائلی چون: اصلاح دولتمردان، ایجاد اتحاد افتتاح مدارس و کارخانجات و دسیسه‌ها و توطئه‌های کسانیکه مشروطیت مخالف با منافع آنان بوده است، اشاره می‌کند (زرگری نژاد، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

برخی از نکات مورد اشاره او در آثار نوخواهان و روشنفکران نیز آمده؛ برای مثال:

در مسالک‌المحسنین بعد از پرداختن به این‌که در کشورهای دیگر نمایندگان مجلس فقط منافع کشور خود را در نظر می‌گیرند، می‌گوید: اما در ایران رجال و دولتمردان جز صلاح خویش چیز دیگری در نظر نمی‌گیرند و کسی به فکر مردم و کشور نیست (طالبوف، بی تا: ۲۴).

در مورد وعاظ که به مسائل فرعی توجه می‌کنند، مراغه‌ای می‌گوید: «در مسجد گوهرشاد مشهد که از مساجد عالیه است، در ایام اقامت در آنجا در مجلس وعظ ده وعظ نشستیم. همه از روی یک سرمشق از استبراء و طهارت و غسل که پای را چنان بردار و چنین بگذار، سخن می‌راندند» (مراغه‌ای، ۱۳۵۳: ۴۰).

نقد وضعیت بهداشت جامعه؛ مخصوصاً حمام‌های خزینه‌دار نیز در آثار نویسندگان دیگر نیز منعکس شده است؛ مثل سیاحتنامه ابراهیم‌بیک که حمام خزینه‌دار مشهد را از لحاظ عدم بهداشت نقد می‌کند (مراغه‌ای، ۱۳۵۳: ۳۵).

در واقع، محمدحسن تاجرکاشانی سعی می‌کند شایعات

مربوط به مشروطه را که توسط مشروعه‌خواهان نشر پیدا کرده است، بررسی کند. شایعاتی که او اشاره کرده است، در لوایح شیخ فضل‌الله‌نوری دیده می‌شود که به مشروطه‌طلبان نسبت می‌دهد: «از قبیل اباحه مسکرات و اشاعه فاحشه‌خانه‌ها و افتتاح مدارس تربیت نسوان و دبستان دوشیزگان و صرف وجوه روضه‌خوانی و وجوه زیارات مشاهد مقدسه در ایجاد کارخانه‌جات و در تسویه طرق و شوارع و در احداث راه‌های آهن و در استجالات صنایع فرنگ...» (نوری، ۱۳۶۲: ۲۸-۲۹).

انتخاب عنوان رؤیای صادقه برای دو تا از خوابنامه‌های دوره قاجار نیز شاید دلیلی بر این مدعا باشد که نویسنده با این عنوان بر صدق گفته‌هایش تاکید می‌کند؛ زیرا رؤیای صادقه، جزو صحیح‌ترین رؤیاهاست که پس از تعبیر تحقق پیدا می‌کند (رضوانی‌طلب، ۱۳۷۹: ۶۷)، چنانچه در رؤیای صادقه اثر سیدجمال‌الدین-واعظ‌اصفهانی و دیگر دوستانش، نویسنده بعد از بیدار شدن از خواب به دوست خود که در آن لحظه به ملاقات او آمده و خواب را که دیده است، برای او بازگو می‌کند، دوستش او را از بازگوکردن این خواب برای دیگران برحذر می‌کند؛ او در پاسخ دوستش می‌گوید: «...من اگر یقین در مراتب حشر و عوالم نشر می‌خواستم، این خواب خود سندی معتبر و معجزه‌ای مجسم است. با این حالت یقین، چگونه عوالم روحانی را بیان نمایم و کتمان کنم؛ شاید راحتی جمعی در این مسطور» (یغمائی، ۱۲۹۱: ۳۳۶).

اما نکته دیگری که به آن باید اشاره کرد، انتخاب قالب خواب به‌جای سفرنامه خیالی و ... شاید به دلیل ارزش خواب و تاثیرگذاری بیشتر آن برخوردارنده باشد؛ زیرا وجود خواب‌گزاران و مفسران که در طول دوره‌های مختلف در دربار پادشاهان و حاکمان بوده‌اند و کتاب‌های زیادی که به فارسی و عربی در زمینه خواب

نگاشته شده است، حاکی از اهمیت رؤیا و خواب در بین مسلمانان و ایرانیان است. نزد بسیاری از اقوام کهن، خواب دریچه‌ای از دنیای غیب و به‌هرحال، از آیات و اسرار خدایان به شمار می‌آمده است و از این رو بدان اعتقاد بسیاری داشته‌اند. در ایران باستان توجه ویژه‌ای به خواب می‌شده است. اگر روایات یونانی‌ها در خصوص خواب ازدهاک، کوروش و خشایارشا درست و مطابق واقع نیز نباشد، از آن‌ها می‌توان پی برد که اعتقاد به خواب و رؤیا تا چه اندازه‌ای بوده است. علاوه بر آنچه گفته شد، خواب‌های مکرری که در شاهنامه برای پادشاهان و پهلوانان روی می‌دهد و هر کدام حاکی از رویدادهای آینده است، نشان از این امر است (زرین‌کوب، ۱۳۵۱: ۲۶۰). در اسلام نیز به رؤیا اشاره‌های زیادی شده است و پیامبر اکرم (ص) رؤیا را یک جزء از چهل و هشت جزء پیغمبری می‌داند (ژاله‌فر، ۱۳۸۲: ۸۶). در منابع دوره قاجاریه نیز به رؤیاهای شاهان این دوره و سایر افراد اشاره می‌شود که تحقق پیدا کرده‌اند و نویسندگان دوره قاجار چون *حمداالله مستوفی* در شرح *زندگانی من*، میرزاقلی‌خان هدایت در *خاطرات و خطرات* و زین‌العابدین مراغه‌ای در *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ* به اهمیت و تحقق رؤیاها اشاره کرده‌اند.

خواب شگفت

خواب‌شگفت یکی دیگر از خوابنامه‌های دوره قاجار است که در مورد نویسنده آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند نویسنده این اثر *میرزا محمدخان بهادر*، معروف به *محمد احمد* است که به دلیل ترس از عواقب انتشار کتابش، رساله خود را نام *مستعار ملافتحعلی* - *اصفهان* انتشار داده است (یغمائی، ۱۳۳۰: ۳۹).

میرزا محمدخان بهادر فرزند حاج‌ملا احمد کنگونی در بوشهر به دنیا آمده است. در کتاب *سفرنامه سدید* - *السلطنه کبابی* به اعضای این خانواده اشاره شده که «شب آقامیرزا محمدشفیع تعاون آمدند. مومی‌لیه پسر

مرحوم حاج‌ملا احمد کنگونی است که سال‌ها منشی قونسولگری انگلیس در بوشهر بود، و آن‌ها چند برادر باشند. *میرزا محمدخان بهادر* صاحب ترجمه و تألیفات عدیده مفیده و حالا سرپرست املاک شیخ *خزعل خان* سردار اقدس در بصره باشند. دیگر *میرزا محمود* است، که در اداره نفت ایران و انگلیس خدمت دارد. دیگر *میرزا علی خان صاحب*، منشی فارسی حالیه ژنرال قونسولگری انگلیس‌ها در بوشهر و از ادباء و فضلاء آن دیار است. دیگر *آقای تعاون* است که در سلک تجارت وارد و یک چند نماینده شرکت حاج‌علی‌اکبر و پسران شیرازی بوده‌اند، و از صاحب ذوق و خطاطین بوشهر باشند. دیگر *میرزا محمد صالح* است که جوهر صداقت باشند، و در اداره سیرس در عباسی خدمت دارند» (کبابی، ۱۳۶۲: ۱۶). *هرمان نوردن* آمریکایی نیز که در سال‌های بعد از جنگ جهانی اول به بوشهر سفر کرده است، در کتاب خود «*زیر آسمان ایران*» نوشته که با *میرزا محمدخان بهادر* دیدار کرده و در مورد او می‌نویسد: «*میرزا محمد* یک ایرانی غریزه به معنای واقعی بود؛ اما حرفه‌ای که برای امرار معاش انتخاب کرده بود، او را به چشم آشنایان، نمونه‌ای از یک ایرانی خودساخته معرفی می‌کرد. *میرزا محمد* در بوشهر تولد یافته و زبان انگلیسی را از کودکی آموخته بود. بعدا به سمت منشی و تند نویس در دفتر یک تاجر انگلیسی استخدام شده و به تدریج چنان پایه‌های ترقی را پیموده بود تا به حکمرانی نجف و کربلا ارتقا یافته و به یک سیاستمدار کامل عیار ایرانی تبدیل گشته بود؛ اما پس از چند سال زندگی سیاسی را رها نموده و شغل وکالت دعاوی را برای خود انتخاب نموده است» (نوردن، ۱۳۵۶: ۱۴-۱۵). *نوردن* به کتابخانه *میرزا محمدخان بهادر* اشاره می‌کند که کتاب‌های انگلیسی و آمریکایی زیادی در آن مشاهده کرده است. در کتاب *حقوق بگیران انگلیس* نیز آمده است که پس از فتح

کربلا و نجف توسط سرونالد استورز انگلیسی در ۱۱ اوت ۱۹۱۷ میلادی سرونالد استورز با سید کاظم یزدی، یکی از علمای بزرگ شیعه دیدار کرده و از او پرسیده است که از انگلیس‌ها چه انتظاری دارند؟ یکی از خواسته‌های سید کاظم یزدی تعیین میرزا محمدخان بهادر به سمت فرمانداری نجف است. راین در ادامه اشاره می‌کند که میرزا محمد اکنون زنده است و در بصره و کالت عدلیه می‌کند. او قبل از جنگ جهانی اول در منطقه خلیج فارس با انگلیسی‌ها همکاری داشت و هنگام حمله آن‌ها به عراق به سمت معاون نماینده سیاسی انگلستان در کربلا تعیین گردید (راین، ۱۳۴۷: ۳۷۳-۳۷۴).

میرزا محمدخان بهادر در مقاله داستان‌نگاری یکی از مزیت‌های داستان را در این می‌داند که یکی از وسایلی که دانشمندان بزرگ برای بیدار ساختن مردم با یادآوری آن‌ها به معایشان اندیشیده‌اند؛ همانا نگارش داستان‌های عبرت‌انگیز و حکمت‌آمیز است که مطالب ناگفتنی را به لباس قصه و افسانه در آورده‌اند.

«معلوم است که در غالب ممالک؛ خاصه آنهایی که زیر فرمان حکومت مشروطه نیستند، برای ادباء و فضلا ممکن نیست که افکار خود را چنانکه باید بیان کنند و آراء خویش را در اصلاح امور مملکت و رفاه ملت و سایر مسائل عالم‌المنفعه بنگارند؛ زیرا مشقت استبداد چنان بر دهان آن‌ها می‌خورد که دیگر قوه و توانی برای آن‌ها باقی نمی‌ماند و شاید هم که آن‌ها را به‌سراچه گور می‌نشانند. نظایر این معنی در تاریخ ممالک عالم موجود است و هنوز هم هر روز امثالش را در ممالک متمدنه عالم می‌بینیم.

یکی از مقتضیات طبیعت بشری این است که از انتقاد و خرده‌گیری می‌رنجد و انسان هر قدر هم معذب باشد، باز از نقد آزاده می‌شود. بدبختی دانشمند در ممالکی به منتها درجه می‌رسد که از یک سو قوه جسمانی خراب و از سوی دیگر قوه روحانی فاسد باشد. دوزخ

حقیقی است و باید در آن‌جا زنده به گور باشند؛ ولی چون محال است که فاضل را نمی‌تواند از اظهار ما فی‌الضمیر خودداری کند، از این رو، می‌بینیم که برای این کار یک وسیله خوبی انتقاد کرده‌اند و آن نوشتن حکایت است که از اعماق قلوب آن‌ها خبر می‌رسد و در ضمن این که خواننده را مشغول و سرگرم می‌سازد. آن حکمت و سری را که مطلوب نگارنده بوده؛ به او توضیح می‌کند. در حقیقت، این گونه حکایات را می‌توان به دوائی تعبیر و تشبیه کرد که به شکل حب تعبیه شده، بیرونش شیرین و اندرونش داروی سودمند است» (میرزا محمدخان بهادر، ۱۳۱۴: ۴۹).

اما طبق دیباچه‌ای که در آغاز کتاب به قلم عارف‌الدین نوشته شده، این اثر متعلق به آخوند ملافتحعلی اصفهانی است. عارف‌الدین دوست صمیمی ملافتحعلی بوده که رساله به وسیله او چاپ شده است. براساس گفته او، ملافتحعلی شخصی ادیب که با زبان‌های عربی و انگلیسی آشنا بوده و به فن ترجمه تسلط داشته است و سفرهایی به نقاط مختلف ایران، هندوستان و بین‌النهرین داشته و از قوانین مدنی فرانسه، عثمانی و انگلیس آگاه بوده و در زمینه تحصیل علوم دینی نیز فعالیت داشته و برای ادیان مختلف احترام قائل بوده؛ اما معتقد که روحانیون ادیان مختلف این ادیان را برای به‌دست آوردن غرایز شخصیشان به خرافات آلوده کردند که این امر مانع پیشرفت ملت‌ها شده است و تا زمانی که اختلاف قومی، نژادی و دینی وجود داشته باشد امکان صلح عمومی وجود ندارد (اصفهانی، ۱۳۰۵، دیباچه: ۶-۵).

از محتوای کتاب مشخص می‌شود که نویسنده این اثر به خوبی از اوضاع ایران و سایر کشورها آگاه بوده و نثر کتاب او بسیار ساده و جذاب است.

بعد از دیباچه، نامه او به عارف‌الدین آمده که زمان نوشتن نامه محرم ۱۳۳۳ هـ ق حدوداً مصادف با آغاز

که اگر مریض شوند، باید به داروهای اروپاییان امیدوار باشند و الا از بیماری خواهند مرد و در زمینه علم پزشکی مدرسه‌ای در ایران وجود ندارد و چشم امید ایرانیان به پزشکان خارجی است (اصفهانی، ۱۳۰۵: ۹-۱۰) و یا در مورد علم نساجی می‌گوید: «نساجی را چنان در طاق نسیان نهاده‌اند که بایستی شلوار زنان، کفن مردگان و عمامه ملایان را از فرنگستان بیاورند» (اصفهانی، ۱۳۰۵: ۹). نویسنده معتقد است که دانشجویان اعزامی ایران به اروپا فقط ظواهر غرب را گرفته‌اند و مغرور شده‌اند؛ اما از لحاظ علمی تهی هستند (اصفهانی، ۱۳۰۵: ۱۰).

اصفهانی اوضاع اداری ایران را نقد می‌کند که چطور برخی از آنان مرکز فساد و فحشا هستند و به‌جای رسیدگی به‌امور مردم، در کار خود سستی نشان داده و در تملک حاکمان و ثروتمندان هستند و یا توسط خارجیان اداره می‌شوند.

جدول ۱۶: شرح محتوایی کتاب خواب شگفت

جنگ جهانی اول است. او در نامه خود احساس ناراحتی می‌کند که چرا ایرانیان کورکورانه سنگ یکی از کشورهای انگلیس و آلمان را برسینه می‌زنند؛ در صورتی که نسبت به مقاصد این کشورها آگاه نیستند و به دلیل شرایط بد ایران در این زمان تصمیم گرفته است که ایران را ترک کرده و به هندوستان و بین‌النهرین برود؛ اما در بین راه در دهکده کمارج به بیماری ذات‌الجنب مبتلا می‌شود و چون پزشکی در این روستا نبوده است؛ بیماری او پیشرفت کرده و چون مرگ خود را نزدیک دیده، تصمیم می‌گیرد رساله خود را برای دوستش به خارج کشور بفرستد و از او بخواهد که این رساله را چاپ کند. بعد از پایان شرح حال خود، به شرح جامعه زمان خود می‌پردازد و اشاره می‌کند که مردم ایران از علمی، چون: علم آهنگری، مکانیک، نساجی، موسیقی، شیمی و طب، نقاشی و چاپ، تلفن و تلگراف، حجاری، مجسمه‌سازی، فیزیولوژی و ... آگاهی ندارند (اصفهانی، ۱۳۰۵: ۱۲-۹)؛ مثلاً در مورد علم شیمی و پزشکی در ایران می‌گوید: در مورد علم شیمی ایرانیان را آنچنان ضعیف می‌داند

فصول کتاب	مباحث مطرح شده در هر فصل خواب شگفت
دیباچه کتاب	۱- ناآگاهی مردم ایران به علوم جدید، همچون: علم آهنگری، مکانیک، نساجی، موسیقی، شیمی و طب، نقاشی و چاپ، تلفن و تلگراف، علم حجاری، مجسمه‌سازی، فیزیولوژی و ...؛
	۲- نقد اداره مالیه به خاطر فساد و دزدی؛
	۳- نقد گمرکات به دلیل اینکه کاملاً وابسته بلژیکی‌هاست؛
	۴- نقد اداره بلدیه به دلیل اعضای بیسواد؛
	۵- نقد اداره نظمیه به دلیل فساد و فحشا در آن؛
	۶- نقد عدلیه و زندان‌ها عدلیه به دلیل فساد، رشوه‌گیری و دادن حکم‌های ضدونقیض؛
	۷- نقد زندان‌ها به دلیل کثیف بودن و خرابی؛
	۸- نقد محاکم شرعیه در مورد اینکه در مورد یک قضیه احکام متفاوتی صادر می‌کنند و اموال یتیمان و اوقاف را مصادره می‌کنند و حکم تکفیر انسان‌های آگاه را می‌دهند؛
	۸- نقد مدارس در مورد اینکه تفاوتی در سطوح مدارس از نظر ابتدایی، متوسطه و ... نیست و نظام‌نامه‌های مدارس هر شهر متفاوت است؛
	۹- نقد وزارتخانه‌های داخلی از لحاظ اینکه در دست افراد خاصی هستند و از شغل خود سوءاستفاده می‌کنند؛
	۱۰- نقد وزارت خارجه به خاطر اینکه مرکز فحشا و قمار است؛

<p>۱۱- نقد پیرامون عدم آزادی عقیده و استبداد؛ ۱۲- نقد دانشجویان اعزامی ایران به اروپا که فقط ظواهر غرب را گرفته‌اند.</p>	
<p>۱- نقد گران‌فروشی اقوام یهود؛ ۲- قوم یهود در اغلب کشورها بخصوص ایران پایگاه اجتماعی خوبی نداشتند و بسیار در محدودیت بودند؛ ۳- انحراف در دین یهود.</p>	<p>فصل سوم: قوم یهود</p>
<p>تحسین این قوم به خاطر پیشرفت در علوم مختلف اشاره به برخی از ظلم‌های آنان از قبیل: ۱- تخلف و تجاوزهای روحانیون مسیح به بهانه امر به معروف و نهی از منکر؛ ۲- کشتاری که در جنگ صلیبی به وسیله مسیحیان انجام شد؛ ۳- مظالم کاتولیک‌ها که در اسپانیا، مکزیک و سایر ممالک انجام دادند؛ ۴- مظلومی که روسیان در ترکستان، سمرقند، بخارا، قفقاز و ایران نمودند؛ ۵- فجایع بلژیکیان در کنگو؛ ۶- روحانیون مسیحی را به دلیل ریا، نیرنگ و اعلام جنگ‌هایی که برای آنان منافع مالی داشت، گسترش زودباوری و خرافات در میان عامه و اینکه علم و تربیت را مکروه می‌پنداشتند و نشو و ارتقا را بدعتی بزرگ می‌دانستند، محکوم می‌کند.</p>	<p>فصل چهارم: محاکمه اقوام مسیح</p>
<p>انتقاد از اختلاف وسیع بین فرقه‌های مسلمان و نزع آنان ۲ - خرافه‌پرستی و عدم آگاهی مسلمانان از علوم جدید ۳- عدم آزادی زنان مسلمان</p>	<p>فصل پنجم: محاکمه مسلمان</p>

صراحت و بدون پرده‌پوشی بیان می‌نمودند؛ برای مثال در خلسه، صدراعظم‌های دوره قاجار مورد انتقاد شدید *اعتمادالسلطنه* قرار گرفته‌اند. جمال‌الدین واعظ اصفهانی، *ملک‌المتکلمین* و *مجدالاسلام* کرمانی، نویسندگان *رؤیای صادقه* نیز مناصب دولتی و علمای اصفهان را با ذکر نامشان مورد انتقاد قرار داده‌اند.

نکته دیگری که مؤید مفروض نوشتار حاضر است، این است که اغلب این خوابنامه‌ها در خارج کشور و یا بعد از فوت نویسنده چاپ شده‌اند، ترس از انتشار کتاب و همچنین اقرار نویسنده در این که فقط ناقل یک خواب هستند، ذکر نشدن نام نویسنده، انتخاب نام مستعار و حتی تکفیر نویسندگان قاجار توسط علما و مورد تعقیب گرفتن آنان توسط حکومت، همه حاکی از فضای استبدادی و شرایط دشواری است که نویسنده را به خوابنامه‌نویسی سوق داده است.

احتمالا از دلایل دیگر رویکرد نویسندگان دوره قاجار به خوابنامه‌نویسی، مقبولیت رؤیا در میان آحاد مردم و

موضوعاتی که در داوری نویسنده در مورد پیروان ادیان مختلف، نقش ویژه‌ای به خود اختصاص داده، علم-اندوزی، پیشرفت در صنعت و تجارت، عدالت، برابری، وحدت، آزادی و... است؛ نه صرفا پیرو دین خاص بودن. ملافتحعلی اصفهانی چون عامل عقب ماندگی مسلمانان را در حاکمیت، مأموران حکومتی و علمای دینی می‌داند، سعی می‌کند انتقادات خود را در قالب خواب بیان کند و یا به قول نویسنده احتمالی آن، محمدخان بهادر در قالب داستان بیان نموده تا به این وسیله کسی ناراحت نشود و از عواقب مطالبش در امان باشد.

نتیجه

بررسی یافته‌ها و شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که یکی از دلایل رویکرد نویسندگان به خوابنامه‌نویسی مصون ماندن از تعقیب حاکمیت و گریز از عواقب بعدی بوده که دامن‌گیر آنان در فضاهای استبدادی می‌شده است. نویسندگان خوابنامه‌ها اغلب انتقادات خود را با

اشخاص معاصر نویسنده و ویژگی‌های ظاهری و اخلاقی آنان اشاره می‌شود و شخص به عنوان نماد مطرح نیست؛ بلکه قصد نویسنده، محاکمه خود فرد در عالم خواب است.

۷- موضوع این آثار در مورد مسائل عصر خود راوی است: در خوابنامه‌ها مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عصر قاجار انعکاس یافته است؛ اما به صورت مختلف؛ مثلاً در جلسه به دلیل اینکه نویسنده آن درباری بوده و شخصیت‌های اصلی قصه صدراعظم‌ها هستند، بیشتر مسائل سیاسی انعکاس یافته است؛ اما در دیگر آثار تأکید بر مسائل اجتماعی بیشتر است.

۸- بیننده خواب، رسالتی و هدفی در بازگو کردن خواب خود دارد و آن آگاهی‌بخشی جامعه است.

۹- مسائل کتاب به شکل سؤال و جواب مطرح می‌شود. مباحث انعکاس شده بین یک پرسشگر (خدا، نمایندگان خدا، راوی و شخصیت‌های داستان) و جوابگو مطرح می‌شود که به فهم و رسایی مطالب کمک می‌کند.

۱۰- خوابنامه‌ها جملگی صبغه انتقادی دارند.

۱۱- نشر افکار نوخواهانه و مطالبات نو (قانون، آزادی، مساوات، آموزش‌های نو، مدارس، روزنامه و ...) از مهم‌ترین مضامین خوابنامه‌هاست و مسائلی چون: آزادی، مساوات، قانون‌گرایی، علم‌گرایی، و جمهوری، از جمله مفاهیم نو مطرح در خوابنامه‌ها به شمار می‌روند.

خوابنامه‌های دوره قاجار تفاوت‌هایی نیز دارند؛ از جمله:

۱- نویسندگان خوابنامه‌ها در عاملان انحطاط اختلاف نظر دارند؛ برای نمونه، در جلسه عاملان اصلی انحطاط کشور وزرا به شمار می‌روند؛ اما در سه اثر دیگر بر نقش علمای ظاهرگرا و سستی بیشتر تأکید شده است.

۲- تفاوت بیان مطالب؛ مثلاً در جلسه شیوه استنتاجی

باور به تحقق برخی رؤیاهای صادقانه است. با بهره‌گیری از این مقبولیت و باور، نویسندگان تحقق آن را در عالم بیداری برای خوانندگان خود تداعی می‌کردند.

مقایسه چهار خوابنامه، جلسه اعتمادالسلطنه، رؤیای صادق سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، رؤیای صادق محمد حسن تاجر کاشانی و خواب شگفت از ملافتحعلی اصفهانی می‌توان دریافت که این خوابنامه‌ها وجوه اشتراک و تمایزی دارند که می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

ویژگی‌های مشترک:

۱- داستانی بودن: خوابنامه‌ها اغلب در قالب داستانی نوشته شده‌اند که علاوه بر این که مفهومی بوده برای تکفیر نشدن، بیان کردن افکار سیاسی و اجتماعی در قالب داستان باعث جذب خوانندگان بیشتر می‌شده است.

۲- نثر ساده و روان و به‌کارگیری اشعار، ضرب‌المثل‌ها و کلمات عامه. این ویژگی خوابنامه‌ها را به منزله الگوی ساده‌نویسی به جامعه ادبی معرفی می‌کرد.

۳- روایی بودن خوابنامه‌ها: خوابنامه‌ها گونه‌ای از قصه‌های روایی هستند که راوی آنچه را در عالم خواب دیده است، به شکل کلامی-بصری برای خواننده روایت می‌کند.

۴- معمولاً قصه خوابنامه‌ها در عالم برزخ رقم می‌خورد: خوابگزار معمولاً به عالم برزخ وارد می‌شود و رویدادهای قصه در عالم برزخ رخ می‌دهد.

۵- فرد به صورت طبیعی به خواب می‌رود؛ برعکس برخی از تمثیل رؤیاها که با خوردن موارد سکرآور نظیر هوم و یا حالت شبه‌مرگ نوشته شده. به همین دلیل، شکل وهم و خیالی ندارد.

۶- در برخی از این آثار، شخصیت‌ها، واقعی و معاصر با نویسنده هستند و به صورت غیرواقعی و نمادین نیستند: در دو خوابنامه جلسه و رؤیای صادق به اسامی

- اطلاعات. است و یا در *رؤیای صادقه* جمال‌الدین واعظ اصفهانی و دوستانش، محاکمه افراد در پیشگاه خداوند است. در برخی از خوابنامه‌ها به شیوه یک پرسش و پاسخ ساده است و سبک استنطاق و یا محاکمه ندارد.
- ۳- شخصیت اصلی خوابنامه‌ها معمولا براساس تفکرات نویسنده انتخاب می‌شود. در جلسه به دلیل این که اعتمادالسلطنه شاه را سایه خداوند می‌داند، شاهان معروف ایران در دوره‌های مختلف برای داوری انتخاب می‌شوند؛ اما در *رؤیای صادقه* و تقریبا دیگر خوابنامه‌ها، خدا، نمایندگان خدا و یا روشنفکران انتخاب می‌شوند.
- ۴- افراد پرسشگر نیز متفاوتند؛ در برخی موارد خود نویسنده سؤال می‌کند. در جلسه، شاهان پرسشگر هستند و در سایر خوابنامه‌ها اغلب خداوند و نماینده خداوند پرسشگر هستند.
- ۵- در برخی خوابنامه‌ها نویسندگان با ذکر نام افراد از آنان انتقاد می‌کنند؛ مثل جلسه اعتمادالسلطنه و *رؤیای صادقه* جمال‌الدین واعظ اصفهانی و دوستانش؛ اما در سایر خوابنامه‌ها به نام اشخاص اشاره نشده است. نکته مهم دیگری که باید مدنظر داشت، این است که نگارندگان خوابنامه‌ها در داوری‌های خویش و برخی انتقاداتشان بر اشخاص، بدون حبّ و بغض نبوده‌اند.
- منابع**
- اصفهانی، ملا فتحعلی. (۱۳۰۵). *خواب شگفت*، برلین: ایران‌شهر.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن. (۱۳۵۰). *روزنامه خاطرات*، ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، چ دوم.
- ----- (۱۳۵۷). *جلسه*، به کوشش محمود کتیرائی، تهران: کتابخانه طهوری.
- ----- (۱۳۵۷). *صدرالتواریخ*.
- به کوشش محمدمشیری، تهران: روزبهان، چ دوم.
- ----- (۱۳۹۱). *رسائل* - *اعتمادالسلطنه*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران:
- آدمیت، فریدون و هما ناطق. (۱۳۵۶). *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی*، تهران: انتشارات آگاه.
- امین‌الدوله، میرزاعلی‌خان. (۱۳۵۵). *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران: امیرکبیر.
- بامداد، مهدی. (۱۳۵۷). *شرح رجال ایران*، ج ۳، تهران: زوار.
- بروان، ادوارد. (۱۳۵۶). *یک‌سال در میان ایرانیان*، ذبیح‌الله منصوری، تهران: معرفت، چ سوم.
- بهیقی، خواجه ابوالفضل محمدبن حسین. (۱۳۷۱). *تاریخ بیهقی*، به کوشش علی اکبر فیاض، تهران: کلمه.
- تاج‌بخش، احمد. (۱۳۸۰). *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران*، شیراز: نوید.
- جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۰). *سر و ته یک کرباس*، به کوشش علی دهباشی، تهران: سخن.
- دولت‌آبادی، سید محمدعلی. (۱۳۹۰). *خاطرات دولت‌آبادی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: سخن.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغتنامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رائین، اسماعیل. (۱۳۴۷). *حقوق‌بگیران انگلیس در ایران*، تهران: چاپ داورپناه، چ دوم.
- رجایی، عبدالهادی. (۱۳۸۶). *تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظل‌السلطان از نگاه روزنامه فرهنگ*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- رحیم‌لو، یوسف. (بی‌تا). «*خواب‌دیدن در سنت و سیاست صفویان*»، نشریه دانشکده علوم انسانی و - اجتماعی، ۱۱۳-۱۲۹.
- رضوان‌طلب، محمدرضا. (۱۳۷۹). *رؤیا از نظر دین و روانشناسی*، قم: انتشارات شفق، چ دوم.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۱). *یادداشت‌ها و اندیشه‌ها*، تهران: کتابخانه طهوری.
- ژاله‌فر، تقی. (۱۳۸۲). *پژوهشی پیرامون رؤیا و اسرار*

جنبش مشروطیت (دین و دولت در ایران: نقش علماء در دوره قاجاریه)، ابوالقاسم سری، تهران: توس.

- متولی حقیقی، یوسف. (۱۳۸۱). وزیر تاریخ‌نگار: پژوهش پیرامون زندگانی، آثار و شیوه تاریخ‌نگاری محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، مشهد: محقق.

- مراغه‌ای، زین‌العابدین. (۱۳۵۳). سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ، به کوشش باقر مؤمنی، تهران: انتشارات اندیشه.

ملک‌زاده، مهدی. (۱۳۶۳). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج دوم. تهران: انتشارات سخن.

- ملک‌ساسانی، احمدخان. (۱۳۷۹). سیاستگران دوره قاجار، به کوشش سیدمرتضی آل‌داود، تهران: مگستان.

نوردن، هرمان. (۱۳۵۶). زیر آسمان ایران، سیمین سمیعی، تهران: دانشگاه تهران.

- نوری، شیخ‌فضل‌الله. (۱۳۶۲). لویح شیخ فضل‌الله نوری، به کوشش هما رضوانی، تهران: نشر تاریخ ایران.

- واعظ اصفهانی، سیدجمال‌الدین. (۱۳۶۳). رسائل قاجاری، به کوشش هما رضوانی و صادق سجادی، تهران: نشر تاریخ ایران.

- یغمائی، اقبال. (۱۲۹۱). شهید راه آزادی؛ سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی، با مقدمه سیدمحمدعلی جمال‌زاده و دکتر باستانی پاریزی، تهران: انتشارات توس.

----- (۱۳۳۰). «خوابنامه‌ها». مجله ارمغان، سال بیست‌وپنجم، ش ۷، صص ۳۰۵-۳۱۰.

..

آن براساس روانشناسی اسلامی، زنجان: نیکان‌کتاب.

ساسانی، احمدخان. (۱۳۸۲). سیاستگران دوره قاجار، به کوشش سیدمرتضی آل‌داود، تهران: مگستان.

- سینکی، مجدالملک. (۱۳۵۸). رساله مجدییه، به کوشش علی‌امینی و فضل‌الله گرگانی، تهران: انتشارات اقبال.

- شیری، قهرمان. (۱۳۸۹). «تمثیل و تصویر نو از کارکردها و انواع آن»، فصلنامه علمی-پژوهشی کاوش-نامه، ش ۲۰، سال یازدهم، صص ۳۳-۵۴.

- صفائی، ابراهیم. (۱۳۸۰). تاریخ انقلاب مشروطیت به روایت اسناد، تهران: ایران‌باران.

- طالبوف، عبدالرحیم. (بی‌تا). مسالک‌المحسنین، به کوشش محمدرمضانی، بی‌جا: چاپخانه خاور.

- عربخانی، رسول. (۱۳۹۰). سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی و مشروطیت، تهران: خجسته.

- عقیقی، رحیم. (۱۳۸۷). ارداویرافنامه، تهران: انتشارات نظر.

- فرهنگنامه ادبی فارسی دانشنامه ادب فارسی. (۱۳۷۶). به سرپرستی حسن انوشه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

- کاشانی، محمدحسن تاجر. (۱۳۶۳). رؤیای صادقه، به کوشش جمشید صداقت‌نژاد، تهران: نشر بهاره.

- کتابی، سیدمحمدباقر. (۱۳۷۵). رجال اصفهان (در علم و عرفان و ادب و هنر)، اصفهان: انتشارات گل‌ها.

- الگار، حامد. (۱۳۵۶). نقش روحانیت پیشرو در

